

سبک‌های غالب یادگیری ادراکی زبان آموزان فارسی در کشورهای غیرفارسی‌زبان

امیررضا وکیلی‌فرد*

چکیده

زبان‌آموزان بسته به پیشینه زبانی، فرهنگی، بازه‌ی سنی و جنسیت سبک‌های یادگیری متفاوت دارند. با وجود آنکه سبک‌های یادگیری یکی از رایج‌ترین موضوعات مورد بحث در زمینه‌ی یادگیری زبان‌های خارجی است، در زمینه‌ی یادگیری زبان فارسی در کشورهای گوناگون تاکنون مطالعه‌ای صورت نگرفته است. پژوهش حاضر به بررسی سبک‌های غالب یادگیری ادراکی ۹۷ فارسی‌آموز می‌پردازد که در ۴۰ کشور خارجی، زبان فارسی آموخته‌اند. ابزار پژوهش در این مطالعه‌ی پیمایشی که از نوع توصیفی - تحلیلی است، پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی رید (۱۹۹۷) می‌باشد. برای پاسخ پرسش‌های پژوهش از جمله چگونگی پروفایل سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان در محیط یادگیری زبان خارجی، تفاوت سبک‌های یادگیری آنان بر حسب مقطع تحصیلی، منطقه جغرافیایی، جنسیت و سن، از آزمون‌های گوناگون آماری بهره گرفته شد. برای مقایسه میانگین نمرات بر حسب گروه‌های مختلف (جنسیت، سن و ...) از آزمون‌های تی مستقل و آنالیز واریانس و برای مقایسه اولویت‌بندی سبک‌ها از آزمون‌های من ویتنی و کروسکال والیس استفاده شد. نتایج آزمون‌های تی مستقل و من ویتنی میان میانگین نمرات و اولویت‌بندی سبک‌های مختلف یادگیری در دو گروه زنان و مردان و نیز آزمون‌های کروسکال والیس میان میانگین نمرات و اولویت‌بندی سبک‌های مختلف یادگیری در بازه‌های مختلف سنی اختلاف آماری معنی‌داری را نشان ندادند. از حیث مناطق جغرافیایی نیز تنها از نظر نمره‌ی سبک‌های بساوشی و گروهی بین آسیایی‌ها و اروپایی‌ها اختلاف آماری معنی

* استادیار گروه آموزش زبان فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، amirreza.vakilifard@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۰

داری وجود داشت. همچنین میانگین نمره و اولویت دهی سبک انفرادی در مقاطع مختلف تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) اختلاف آماری معنی داری وجود داشت.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های غالب یادگیری ادراکی، فارسی‌آموز، زبان خارجی، ملیت، جنسیت، سن، مقطع تحصیلی.

۱. مقدمه

در دنیای امروزی امکان یادگیری زبان‌های خارجی برای زبان‌آموزان بی‌شماری فراهم شده است. یادگیری یک زبان خارجی فرایندی طولانی و پیچیده است. در واقع زبان‌آموز باید با یک فرهنگ جدید، احساس تازه و شیوه تفکر جدید، روبه‌رو گردد؛ از این رو، برای اینکه یادگیری زبان جدید با موفقیت انجام شود، درگیر شدن، تعهد و نیز پاسخ فیزیکی، ذهنی و احساسی کامل نیاز است (برون، ۲۰۰۰). برای شناخت و درک زبان‌آموزان باید به بررسی عوامل گوناگون مشاهده‌پذیر و مشاهده‌ناپذیر بسیاری درباره راه‌های یادگیری زبان آنان پرداخت (وسلی، ۲۰۱۲).

در روند یادگیری زبان جدید، هریک از زبان‌آموزان راه یادگیری خاصی را برمی‌گزینند که آن را سبک یادگیری ترجیحی (پریچارد، ۲۰۰۵) می‌نامند. برخی از آنان ترجیح می‌دهند بیشتر به سبکی دیداری یاد بگیرند و برخی دیگر به سبکی شنیداری. برخی به صورت انفرادی بهتر یاد می‌گیرند و برخی به صورت گروهی. زبان‌آموزان با سبک ترجیحی خویش اطلاعات را دریافت می‌کنند و بر دانسته‌های پیشین خود می‌افزایند. از این رو، مدرسان زبان با انواع مختلفی از سبک‌های یادگیری مواجه هستند. آنان به‌ناچار برای بالا بردن کیفیت تدریس و افزایش یادگیری یادگیرندگان ناگزیرند به سبک‌های یادگیری آنان توجه ویژه نمایند. به این منظور، مدرسان باید سبک‌های یادگیری آنان را شناسایی کنند. تشخیص چگونگی یادگیری زبان‌آموزان به درک سبک‌های یادگیری غالب آنها کمک می‌کند. در واقع، مدرس زبان با آگاهی از تفاوت سبک‌های یادگیری بهتر می‌تواند فرصت‌های آموزشی سازگار با ویژگی‌های متفاوت زبان‌آموزان را طراحی و اجرا نماید.

به دلیل اهمیت سبک‌های یادگیری و جایگاه آنها در یادگیری زبان‌های خارجی، پژوهشگران بسیاری در طی دو دهه اخیر به بررسی سبک‌های یادگیری پرداخته و نقش آنها را در یادگیری زبان دوم و خارجی مورد توجه قرار داده‌اند (بیدآبادی و یامات، ۲۰۱۰). بیلی

و همکاریانش (۲۰۰۰) اعتقاد دارند اگر میان سبک‌های یادگیری زبان‌آموزان و برنامه‌ی درسی یا سبک یاددهی مدرس زبان هماهنگی وجود نداشته باشد، به پاره‌ای مشکلات برای زبان‌آموزان منجر خواهد شد. در میان فارسی‌آموزان غیرایرانی در کشورهای دیگر به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی انجام نشده است که سبک‌های یادگیری آنان را در حوزه یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان خارجی شناسایی نماید و نیز تاثیر متغیرهایی از قبیل جنسیت، سن، ملیت و مقطع تحصیلی بر سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان مورد بررسی قرار دهد. پژوهش حاضر به منظور توصیف و شناسایی سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان غیرایرانی و بررسی اثرات متغیرهای یادشده بر آنها انجام شده است.

۲. چارچوب نظری

نظریه‌پردازان توافق دارند افراد برای رمزگردانی، پردازش و دستکاری اطلاعات، سبک‌های متفاوتی دارند که اساساً مستقل از هوش است (آتکینسون، ۱۹۹۸). سبک‌ها منعکس‌کننده‌ی این واقعیت هستند که برخی از افراد توانایی بیشتری در استفاده از برخی فرایندهای یادگیری دارند. این توانایی‌ها در اوان کودکی به طور ناخودآگاه تحت تأثیر آمادگی‌های زیست‌شناختی فرد و عوامل محیطی او شکل می‌گیرند. سبک‌های یادگیری به ویژگی‌های افراد در استفاده از توانایی‌های شناختی بازمی‌گردد و راه‌های ترجیحی آنان را نشان می‌دهند که برای جمع‌آوری، تفسیر، سازماندهی و فکر کردن در مورد اطلاعات به کار می‌گیرند (فلمینگ، ۲۰۰۱).

سبک‌های یادگیری شامل باورها، اعتقادات، رجحان‌ها و رفتارهایی است که افراد به کار می‌برند تا در یک موقعیت معین به یادگیری خود کمک کنند (افتخاری، ۱۳۷۹). به دلیل همین سبک‌هاست که افراد در یک موقعیت یکسان متفاوت یاد می‌گیرند. سبک‌ها انواع گوناگونی دارند، نظیر سبک‌های یادگیری، سبک‌های شناختی، سبک‌های تفکر و سبک‌های آموزشی. اصطلاح سبک‌های یادگیری، راهبردهای یادگیری و سبک‌های شناختی از جمله اصطلاحاتی هستند که با وجود تفاوت بین آنها برخی مواقع به اشتباه به عنوان مترادف مورد استفاده قرار می‌گیرند.

سبک‌های یادگیری بیانگر چگونگی دریافت داده‌ها هستند، اما سبک‌های شناختی چگونگی پردازش آنها را نشان می‌دهند (لینو و لینو، ۱۹۹۰). کسیدی (۲۰۰۴) و دورنی (۲۰۰۵) معتقدند که سبک‌های یادگیری عادت‌هایی ناخودآگاه هستند که به صورت مستقل

از بافت یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما از نظر اسلک و نروچ (۲۰۰۷: ۵۳)، راهبردهای یادگیری، ارادی و وابسته به بافت هستند. آنها متنوع‌تر هستند، زیرا یادگیرنده برای هر تکلیف از راهبردهای متفاوتی استفاده می‌کند. بین راهبردها و سبک‌های یادگیری رابطه‌ای بسیار قوی وجود دارد، به گونه‌ای که گاهی به جای هم به کار می‌روند. پی‌کوک (۲۰۰۱) سبک‌های یادگیری را به عنوان روش‌های طبیعی و دائمی برای دریافت داده‌ها معرفی می‌کند و آنها را مقدم بر یادگیری می‌داند.

رید (۱۹۹۵) سبک‌های یادگیری را ویژگی‌های شخصیتی می‌داند که به صورت غیرارادی مورد استفاده قرار می‌گیرند. وی سبک‌های یادگیری را به دو گروه اصلی سبک‌های یادگیری شناختی و سبک‌های یادگیری حسی تقسیم می‌کند:

۱.۲ سبک‌های یادگیری شناختی

این سبک‌ها شامل سبک‌های یادگیری زمینه - وابسته و زمینه - مستقل، سبک‌های یادگیری کل‌نگر و جزءنگر (یا تحلیلی)، و سبک‌های یادگیری تفکری و تکانشی می‌شوند. یادگیرندگان با سبک‌های یادگیری زمینه - مستقل به صورت مرحله به مرحله یا گام به گام می‌آموزند یعنی با تحلیل شروع و در نهایت یک ایده یا نتیجه از آن استنباط می‌کنند. در حالی که یادگیرندگان زمینه-وابسته تمایل به یادگیری در بافت داشته و کل‌نگر هستند. یادگیرندگان تحلیلی یا جزءنگر مایل هستند یک موقعیت را به عنوان مجموعه‌ای چند قسمتی و اغلب در یک زمان، یک یا دو جنبه چیزی را در نظر بگیرند، اما یادگیرندگان کل‌گرا تمایل دارند یک موقعیت را به طور کلی یا به عنوان یک کل در نظر بگیرند. یادگیرندگان دارای سبک یادگیری تفکری تمایل دارند قبل از پاسخ دادن به یک مطلب، زمان کافی برای در نظرگیری یا فکر راجع به آن مطلب را داشته باشند، در حالی که یادگیرندگان دارای سبک یادگیری تکانشی، برعکس یادگیرندگان تفکری، بی‌درنگ و بدون ترس به یک مطلب پاسخ می‌دهند و ریسک‌پذیر هستند.

۲.۲ سبک‌های یادگیری حسی

یادگیرندگان حسی و کسانی که دارای این سبک‌های یادگیری هستند، آنچه با حواس پنجگانه قابل مشاهده یا دریافتنی است، بهتر می‌آموزند. این سبک‌ها نیز به ۳ دسته اصلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: سبک‌های یادگیری ادراکی، سبک‌های یادگیری محیطی، و

سبک‌های یادگیری شخصیتی. هر کدام از این سبک‌ها دارای زیر مجموعه‌ای از سبک‌های یادگیری است.

سبک‌های یادگیری شخصیتی را می‌توان بر اساس شخصیت یادگیرنده به انواع مختلف تقسیم کرد. یادگیرندگان برون‌گرا به یادگیری مطالبی علاقه دارند که به صورت عینی بتوانند تجربه کنند. همچنین به برقراری ارتباط با دیگران و جهان بیرون نیز علاقه‌مند هستند. برعکس، یادگیرندگان درون‌گرا به موقعیت‌های مستقل و کارهای انفرادی تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

سبک‌های یادگیری محیطی به دو گروه سبک‌های یادگیری فیزیکی و جامعه‌شناختی تقسیم می‌شوند. یادگیرندگانی که دارای سبک‌های یادگیری فیزیکی هستند، به عوامل فیزیکی مانند دما، نور، زمان، و مدیریت کلاس واکنش نشان می‌دهند و این عوامل بر یادگیری‌شان مؤثر است. یادگیرندگانی که دارای سبک‌های یادگیری جامعه‌شناختی هستند تحت تأثیر عواملی چون کارهای تیمی، گروهی، انفرادی، و میزان قدرت معلم در کلاس قرار می‌گیرند.

جدول ۱. سبک‌های یادگیری رید (۱۹۹۵)

سبک‌های یادگیری															
حسی					شناختی										
شخصیتی		محیطی			ادراکی										
درون‌گرا	برون‌گرا	جامعه‌شناختی	فیزیکی	شنیداری	دیداری	بساوشی	جنبشی	گروهی	انفرادی	تکانشی	تفکری	بزرگ‌مگر یا تحلیلی	کل‌نگر	زمینه - مستقل	زمینه - وابسته

سبک‌های یادگیری ادراکی عبارتند از: ۴ نوع سبک شنیداری، دیداری، بساوشی، جنبشی یا حرکتی که بر مبنای حواس هستند و نیز ۲ نوع سبک گروهی و انفرادی که مقوله اجتماعی می‌باشند. در واقع یادگیرندگانی ادراکی از طریق شنیدن، دیدن، فعالیت‌های دستی یا بدنی، به صورت گروهی یا انفرادی می‌آموزند و مسائل معنادار را بهتر می‌آموزند.

سبک‌های یادگیری ادراکی دیداری: یادگیرندگانی که دارای این نوع سبک یادگیری هستند با دیدن واژه‌ها در کتاب درسی، کتاب کار، یا روی تخته، آنها را می‌آموزند. این افراد با خواندن اطلاعات یا دستورالعمل‌ها، آن را بهتر می‌آموزند. همچنین در حالتی که معلم برای ارائه یک مطلب از ماژیک‌های رنگی استفاده می‌کند بهتر آن را فرا می‌گیرند تا اینکه توضیحات شفاهی را بشنوند. همچنین برای به یادآوردن توضیحات شفاهی معلم نیاز به یادداشت برداری دارند.

سبک‌های یادگیری ادراکی شنیداری: یادگیرندگانی که این نوع سبک یادگیری را دارند از طریق توضیحات شفاهی مطالب را بهتر می‌آموزند. این یادگیرندگان باید هنگام یادگیری مطلب جدید، آنها را با صدای بلند بخوانند یا دهان و لب‌هایشان را هنگام خواندن حرکت دهند. برای این گروه از افراد گوش دادن به نوارهای ضبط شده، سخنرانی‌ها، و بحث‌های کلاسی مفید است. همچنین این یادگیرندگان معمولاً هنگام مطالعه به یک موسیقی آرام هم گوش می‌دهند.

سبک‌های یادگیری ادراکی جنبشی یا حرکتی: یادگیرندگانی که دارای این نوع سبک یادگیری هستند از طریق جنب و جوش و درگیر شدن در فعالیت‌های کلاسی به صورت جسمانی و فیزیکی، مطالب را می‌آموزند. اگر این گروه از یادگیرندگان مدت طولانی در یک جا بدون حرکت بنشینند تمرکز خود را از دست می‌دهند و به تحرک یا یک زنگ تفریح کوتاه همراه با جنب و جوش نیاز دارند. همچنین می‌توانند از نوشتن به عنوان نوعی جنبش یا تحرک در کلاس استفاده کنند. این گروه از یادگیرندگان تمایل دارند در انجام فعالیت‌های کلاسی، به ویژه ایفای نقش، مشارکتی فعال داشته باشند.

سبک‌های یادگیری ادراکی بساوشی: یادگیرندگان با این نوع سبک یادگیری تمایل دارند که مطالب جدید را در آزمایشگاه، با ساختن مدل‌ها، به صورت تماس با دست و یا لامسه ای بیاموزند. یادداشت برداری و نوشتن دستورالعمل‌ها، به این گروه از یادگیرندگان کمک می‌کند که مطالب را به خاطر بیاورند. همچنین این افراد می‌توانند با شرکت فیزیکی در فعالیت‌های کلاسی، مطالب جدید را یاد بگیرند (رید، ۱۹۷۸).

سبک‌های یادگیری ادراکی گروهی: یادگیرندگانی که این سبک یادگیری را دارند، هنگامی که با دیگران (حداقل یک نفر دیگر) مطالعه می‌کنند مطالب را بهتر و سریعتر می‌آموزند. همچنین در انجام فعالیت‌های گروهی موفقتر هستند. برای این گروه از یادگیرندگان تعامل با سایر همکلاسی‌ها و انجام فعالیت‌های کلاسی به صورت گروهی بسیار مهم است

و از این طریق بهتر مطالب را به خاطر می آورند. در واقع انگیزشی که از کار گروهی دریافت می کنند به آنها در یادگیری و فهم مطالب جدید کمک می کند (رید، ۱۹۷۸).
فعالیت‌های ادراکی انفرادی: یادگیرندگان که دارای این سبک یادگیری می باشند، به تنهایی مطالب را بهتر یاد می گیرند. در واقع وقتی تنها هستند، بهتر فکر می کنند و مطالبی را که خودشان در تنهایی خوانده‌اند، بهتر به خاطر می آورند. همچنین این افراد در کارهای انفرادی پیشرفت بیشتری دارند.

۳. پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات زیادی در مورد سبک‌های مختلف یادگیری با پرسشنامه‌های گوناگونی انجام شده است. از جمله پرسشنامه‌هایی که برای سنجش و شناسایی سبک‌های غالب یادگیری در محث سبک‌های یادگیری زبان دوم و خارجی، طراحی شده است، به فهرست سبک‌های یادگیری دان دان و پرایس (۱۹۸۹)، مقیاس سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان گراشا - ریچمن (ریچمن و گراشا، ۱۹۷۴) و فهرست سبک‌های یادگیری کلب (۱۹۷۶)، (۱۹۸۵) برای انگلیسی‌زبانان اشاره کرد.

به منظور سنجش و شناسایی سبک‌های یادگیری غیرانگلیسی‌زبانان نیز پرسشنامه‌هایی از جمله فهرست کانال‌های غالب یادگیری اوبراین (۱۹۹۰)، فهرست واکاوی سبک‌های آکسفورد (۱۹۹۳) و پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی رید (۱۹۸۷) طراحی شده است. پژوهشگرانی چون ویتروگرست و همکاران (۲۰۰۲) نیز معتقدند که در میان این ابزارها، پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی رید (۱۹۸۷) در زمره معروفترین، قدیمی‌ترین و رایج‌ترین آنها است. در این مطالعه، از پرسشنامه رید (۱۹۸۷) استفاده می‌گردد، زیرا به طور خاص برای زبان‌آموزان به عنوان زبان دوم یا خارجی طراحی گردیده است و نسبت به دیگر پرسشنامه‌ها برای یادگیرندگان زبان خارجی مناسبتر است.

به نظر می‌رسد در حوزه سبک‌های یادگیری زبان دوم، پژوهشگران بیشتر به سبک‌های شناختی توجه کرده‌اند. نجاتی و برزآبادی فراهانی (۱۳۸۶) معتقدند که بیشترین پژوهش‌ها در این زمینه، به همکنشی سبک‌های شناختی و متغیرهای عاطفی با شرایط و موقعیت‌های یادگیری مربوط می‌شوند. از آنجا که این پژوهش به سبک‌های یادگیری حسی و زیرگروه ادراکی آن (جدول ۱) می‌پردازد، در این مقاله تنها در پیشینه ی تحقیق، به پژوهش‌هایی

اشاره می‌شود که به یادگیری زبان خارجی ارتباط دارد و ابزار پژوهش آنها پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی رید (۱۹۸۷) بوده است.

۱.۳ نمایه کلی سبک‌های یادگیری

برای بررسی پژوهش‌هایی که به سبک‌های غالب یادگیری ادراکی به صورت کلی پرداخته‌اند، می‌توان به پژوهش‌هایی زیر اشاره کرد. پورحسین گیلکجانی (۲۰۱۲) با استفاده از پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری رید (۱۹۸۷) سبک‌های یادگیری ۱۰۰ دانشجوی (۴۰ مرد و ۶۰ زن) رشته زبان انگلیسی دانشگاه آزاد لاهیجان را در ایران مورد بررسی قرار داد. دانشجویان در بازه سنی ۲۳ تا ۲۸ سال بودند. نتایج پژوهش وی نشان داد که ۵۰٪ دانشجویان دارای سبک یادگیری دیداری، ۳۵٪ سبک یادگیری شنیداری و ۱۵٪ دارای سبک یادگیری جنبشی یا حرکتی هستند. در واقع سبک غالب یادگیری در میان این گروه از دانشجویان سبک یادگیری دیداری می‌باشد.

پیکوک (۲۰۰۱) با استفاده از پرسشنامه رید (۱۹۸۷) و مصاحبه، به بررسی سبک‌های یادگیری ۲۰۶ دانشجوی زبان انگلیسی (به عنوان زبان خارجی) دانشگاه هنگ کنگ پرداخت. وی همچنین با استفاده از نسخه تغییر یافته پرسشنامه رید (۱۹۸۷) به همراه بخش خوداظهاری افزوده شده به آن، سبک‌های تدریس ۴۶ استاد زبان انگلیسی این دانشگاه را نیز مورد بررسی قرار داد. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که دانشجویان دارای سبک‌های یادگیری جنبشی و شنیداری هستند و به سبک‌های یادگیری انفرادی و گروهی تمایلی ندارند. در حالی که استادان سبک‌های تدریس جنبشی، گروهی و شنیداری را ترجیح می‌دهند و به سبک‌های تدریس لامسه‌ای و انفرادی تمایلی ندارند. همچنین نتایج نشان داد که دانشجویانی که دارای سبک یادگیری گروهی بودند مهارت انگلیسی ضعیفتری داشتند.

هایلند (۱۹۹۴) نیز سبک‌های غالب یادگیری ۴۰۵ (۱۸۲ مرد و ۲۲۳ زن) دانشجوی ژاپنی در مقطع کارشناسی را مورد بررسی قرار دادند. این دانشجویان از ۸ دانشگاه ژاپن و یک کالج در نیوزلند و در حال یادگیری زبان انگلیسی (به عنوان زبان خارجی) بودند. نتایج پژوهش وی نشان داد که دانشجویان ژاپنی هیچ کدام از ۶ سبک یادگیری را در اولویت قرار نمی‌دهند و به سبک‌های یادگیری لامسه‌ای، جنبشی و شنیداری تمایل کمی دارند. همچنین، او معتقد است که اگر استادان دانشجویان ژاپنی سخنگویان بومی زبان انگلیسی باشند، این دانشجویان تمایل به تغییر سبک‌های یادگیریشان دارند.

۲.۳ مقطع تحصیلی

پژوهشی برای بررسی ارتباط میان سبک‌های یادگیری یادگیرندگان یک زبان خارجی و مقطع (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای) آنان به نظر می‌رسد انجام نگرفته است.

۳.۳ ملیت

اوبرالیک و اکبراف (۲۰۱۲) به بررسی سبک‌های یادگیری دانشجویان مدرسه زبان انگلیسی در دانشگاه بین‌المللی سارایوو پرداختند. آنها از ۳۴ دانشجو (۱۸ مرد و ۱۶ زن) با ملیتهای مختلف (۲۱ دانشجو از کشور ترکیه و ۱۳ دانشجو از کشور بوسنی و هرزگوین) در بازه سنی ۱۹ تا ۲۳ سال استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که سبک‌های غالب یادگیری این دانشجویان سبک‌های یادگیری دیداری و لامسه‌ای است و این دانشجویان به سبک‌های یادگیری انفرادی (۳۷.۶٪)، جنبشی (۳۷.۲٪)، شنیداری (۳۵.۶٪) و گروهی (۳۴٪) تمایل کمی دارند. همچنین یافته‌ها نشان داد دانشجویان با ملیت‌ها و نژادهای مختلف، سبک‌های یادگیری متفاوتی دارند. هرچند که در سبک‌های یادگیری دیداری و شنیداری تفاوت قابل توجهی بین دو ملیت مشاهده نشد، اما بین سبک‌های یادگیری لامسه‌ای، گروهی، جنبشی، و انفرادی تفاوت وجود داشت. علاوه بر آن، در این پژوهش، دانشجویان ترک تمایل داشتند بیشتر فعالیت‌های تکلیف - محور انجام دهند. آنان برای ابراز نظر و بیان افکارشان در کلاس احساس راحتی نمی‌کردند، در حالی که دانشجویان بوسنیایی مشتاق بودند در کلاس صحبت کنند و هنگام تدریس معلم در فعالیت‌های گفتاری مشارکت داشته باشند. گاهی این مساله معلم را با مشکل مواجه می‌کرد، زیرا مجبور بود دیگر زبان‌آموزان را به مشارکت کلاسی ترغیب کند.

اشیکین زکریا (۲۰۰۶) سبک‌های یادگیری زبان آموزانی با نژادها و قومیت‌های مختلف مالزیایی، چینی و هندی را مورد بررسی قرار داد. وی از پرسشنامه سبک‌های یادگیری ادراکی رید (۱۹۹۵) استفاده کرد و ۳۰ دانش‌آموز از هر قومیت در دو دبیرستان خصوصی در کوالالامپور به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. این دانش‌آموزان در حال یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی بودند. سطح زبان آنان بالاتر از سطح میانی و نیز سطح پیشرفته بود و اکثر آنان اغلب برای برقراری ارتباط از زبان انگلیسی استفاده می‌کردند. نتایج پژوهش وی نشان داد که زبان‌آموزان مالزیایی اغلب سبک یادگیری جنبشی و بساوشی دارند. زبان‌آموزان چینی دارای سبک یادگیری دیداری و شنیداری بودند و سبک یادگیری ادراکی زبان‌آموزان

هندی، دیداری و جنبشی بود. علاوه بر آن، اکثر دانش‌آموزان مالایی همانند بسیاری از هندیها مطالعه به صورت انفرادی را ترجیح می‌دادند، در حالی که اکثر دانش‌آموزان چینی به سبک یادگیری گروهی اولویت می‌دادند. به طور کلی، نتایج پژوهش‌شان نشان داد که در یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی، زبان‌آموزان با پیشینه نژادی مختلف دارای سبک‌های یادگیری متفاوتی هستند.

تابانلی اوغلو (۲۰۰۳) سبک‌های یادگیری ۵۴ دانش‌آموز کالج را که در حال یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی بودند، در ترکیه مطالعه کرد. نتایج پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی نشان داد که زبان‌آموزان ترکیه‌ای سبک یادگیری گروهی را کمتر ترجیح می‌دهند. سبک‌های یادگیری شنوایی و فردی سبک‌های اصلی یادگیری شرکت‌کنندگان این پژوهش بود. با وجود این، حجم اندک نمونه در این مطالعه مانع از تعمیم نتایج آن به انگلیسی‌آموزان ترک زبان می‌گردد.

۴.۳ جنسیت

بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مردان و زنان با سبک‌های متفاوت از یکدیگر یاد می‌گیرند. (کاواناو، ۲۰۰۲). سبتوا (۲۰۰۸) در پژوهشی بر روی ۷۶ دانش‌آموزان (۳۷ پسر، ۳۹ دختر) در سن بین ۱۲ تا ۱۳/۷ در ۴ گروه در ۲ مدرسه در شهر برونو جمهوری چک، دریافت که پسران بیشتر از دخترها سبک یادگیری دیداری را ترجیح می‌دهند و دختران شنیداری و جنبشی را، اما تفاوت میان آنها معنادار نبوده است. ترجیح سبک یادگیری جنبش توسط دختران بر خلاف فرضیه‌های پژوهشگر بوده است. وی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که کودکان امروز انعطاف‌پذیر هستند و قادر به یادگیری مطالب جدید با استفاده از هر سه سبک یادگیری دیداری، شنیداری و جنبشی می‌باشند.

خمنین (۲۰۱۲) در پژوهشی سبک‌های غالب یادگیری انگلیسی‌آموزان تایلندی و تأثیر جنسیت، رشته تحصیلی و میزان تجربه یادگیری را بر سبک‌های یادگیری آنها مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری او ۲۶۲ دانشجوی زن و مرد تایلندی بودند. نتایج پژوهش وی نشان داد که این دانشجویان به ترتیب دارای سبک‌های یادگیری شنیداری، جنبشی یا حرکتی، گروهی، بساوشی، دیداری و انفرادی هستند. همچنین دریافتند که رشته تحصیلی مهمترین عامل تأثیرگذار بر سبک‌های یادگیری است و بین سبک‌های یادگیری با جنسیت و تجربه یادگیری رابطه معناداری وجود ندارد.

احمد (۲۰۱۱) به بررسی اولویت‌های سبکی ۲۵۲ انگلیسی‌آموز یک مؤسسه محلی در مالزی پرداخت که میزان مهارت زبان انگلیسی آنها در سطح پایین بود. وی همچنین تأثیر جنسیت را در تعیین سبک‌های غالب یادگیری این گروه از دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داد. او در این خصوص از پرسشنامه رید (۱۹۸۷) استفاده کرد و داده‌های به دست آمده توسط آزمون تی مستقل و آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش وی نشان داد که این دانش‌آموزان از لحاظ ۶ نوع سبک یادگیری در حالت منفی هستند و این به مفهوم عدم علاقه‌مندی آنها به این ۶ نوع سبک یادگیری است. همچنین یافته‌ها نشان داد که متغیر جنسیت تأثیری بر سبک یادگیری این گروه از دانش‌آموزان نداشت.

ریاضی و منصوریان (۲۰۰۸) سبک‌های غالب یادگیری ۳۰۰ انگلیسی‌آموز ایرانی را در مؤسسات مختلف در شهرهای شیراز، اصفهان، تهران، مشهد، اراک و بوشهر مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی داده‌های جمع‌آوری شده به کمک پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری رید (۱۹۸۷) نشان داد که سبک‌های یادگیری شنیداری، دیداری، بساوشی و جنبشی به ترتیب سبک‌های غالب یادگیری این زبان‌آموزان هستند و برای دانشجویان دختر و پسر سبک‌های یادگیری انفرادی و گروهی در اولویت‌های فرعی قرار دارند. همچنین نتایج نشان‌دهنده رابطه معنادار بین جنسیت و سبک‌های یادگیری بود. مردان سبک‌های یادگیری بساوشی، گروهی، و جنبشی یا حرکتی داشتند، اما در زنان این سبک‌های یادگیری، به ویژه سبک گروهی، در اولویت کمتری قرار داشتند. ذکایی، زعفرانیه و ناصری (۲۰۱۲) پژوهشی را بر روی ۵۴ زبان‌آموز پسر و دختر رشته ادبیات انگلیسی دانشگاه تربیت معلم در محدوده سنی ۲۰-۲۲ انجام دادند که نتایج نشان داد اختلاف معنی‌داری بین ترجیحات راهبردهای واژگان و یا سبک‌های یادگیری غالبی در میان پسران و دختران وجود نداشت. از دیگر نتایج پژوهش رید (۱۹۹۵) که در بالا به آن به صورت مشروح‌تر اشاره شد، نشان می‌دهد که مردها در مقایسه با زنها بیشتر دیداری و بساوشی هستند.

۵.۳ سن

هارمر (۲۰۰۲) بیان می‌کند که افراد در مراحل مختلف عمر و با افزایش سن، در ویژگی‌ها، صفات و راه‌های یادگیری زبان متفاوت هستند. فاطمی حسینی و پیشقدم (۱۳۸۷) به بررسی سبک‌های یادگیری ادراکی در میان ۴۰۰ دانشجوی ایرانی ۱۸ تا ۲۶ سال پرداختند. آنها از پرسشنامه رید (۱۹۸۷) استفاده کردند تا سبک‌های یادگیری ادراکی دانشجویان از

دانشگاه‌های تهران و مشهد (با رشته‌های تحصیلی متفاوت) را شناسایی کنند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که دانشجویان ایرانی دارای سبک‌های یادگیری جنبشی و بساوشی هستند و بین جنسیت، سن و سطح مهارت زبانی با سبک‌های یادگیری رابطه معناداری وجود ندارد، اما دانشجویان دختر بیشتر از پسران از سبک یادگیری شنیداری استفاده می‌کنند. این پژوهشگران به بررسی تاثیر فرهنگ بر سبک‌های یادگیری انگلیسی‌آموزان در پژوهششان پرداختند، ولی از آنجایی که همه شرکت کنندگان ایرانی بودند، به نظر می‌رسد نتیجه‌گیری در این مورد دشوار باشد.

مرور پژوهش‌های پیشین پیرامون سبک‌های یادگیری دانشجویان و زبان‌آموزان نشان می‌دهد که با وجود اهمیت سبک‌های یادگیری زبان‌آموزان بر بازده یادگیری و آموزش، پژوهشی در خصوص یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم یا خارجی صورت نگرفته است. علاوه بر آن، در پژوهش‌های دیگر بر روی انگلیسی‌آموزان تعداد ملیت زبان‌آموزان به چند کشور محدود بوده است. در حالی که در پژوهش حاضر داده‌ها از فارسی‌آموزان ۴۰ ملیت جمع‌آوری شده و مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، تأثیر عواملی چون مقطع تحصیلی نیز برای نخستین بار صورت می‌گیرد.

۶. پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا سبک ادراکی خاصی در بین فارسی‌آموزان در کشورهای دیگر غالب است؟
- ۲- آیا تفاوت معناداری میان مقطع (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) فارسی‌آموزان کشورهای دیگر و سبک‌های یادگیری آنان وجود دارد؟
- ۳- آیا یک رابطه معنی‌دار آماری میان سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان آسیایی با فارسی‌آموزان اروپایی وجود دارد؟
- ۴- آیا یک رابطه معنی‌دار آماری بین سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان دختر و پسر وجود دارد؟
- ۵- آیا زبان‌آموزان در بازه‌های مختلف سنی سبک‌های یادگیری متفاوتی را برای یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان خارجی مورد استفاده قرار می‌دهند؟

۷. روش‌شناسی

۱.۷ ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر از پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری رید (۱۹۸۷) استفاده گردید که برای تعیین سبک‌های یادگیری ادراکی فراگیران غیرانگلیسی‌زبان و غیربومیان طراحی و اعتباریابی شده است. این پرسشنامه مشتمل بر ۶ سبک یادگیری اصلی می‌باشد. هر یک از سبک‌ها دارای ۵ گروه پرسش پیرامون ۶ سبک یادگیری و در مجموع، حاوی ۳۰ پرسش است. سبک‌های یادگیری ادراکی مورد نظر عبارتند از: دیداری، شنیداری، جنبشی یا حرکتی، بساوشی، یادگیری گروهی و یادگیری انفرادی. در این سبک‌ها، گروه اول تا چهارم بر اساس حواس و دو گروه آخر مقوله اجتماعی هستند. زبان آموزان باید به پرسش‌های یک تا پنج امتیازی (مقیاس لیکرت) پاسخ دهند. در واقع دامنه‌ی این امتیازها میان "کاملاً موافقم"، "موافقم"، "نه موافقم نه مخالفم"، "مخالم" و "کاملاً مخالفم" در نوسان هستند. در این پرسشنامه، سؤال‌های ۲۴، ۱۲، ۱۰، ۶ و ۲۹ بیانگر سبک یادگیری دیداری، پرسش‌های ۱۱ و ۱۴ و ۱۶ و ۲۲ و ۲۵ سبک یادگیری بساوشی، سؤال‌های ۱۷، ۹، ۷، ۱۰ و ۲۰ سبک یادگیری شنیداری، سؤال‌های ۲۱، ۵، ۴، ۳ و ۲۳ سبک یادگیری گروهی، سؤال‌های ۱۳، ۱۸، ۲۷، ۲۸ و ۳۰ سبک یادگیری انفرادی، و پرسش‌های ۲، ۱۵، ۱۹ و ۲۶ سبک یادگیری جنبشی را نشان می‌دهند.

روایی پرسش‌نامه مشخصات فردی با اعمال نظرات استادان آموزش زبان فارسی و صاحب‌نظران با روایی محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به اینکه پرسشنامه فوق شامل سؤالاتی واضح می‌باشد که از پرسش‌نامه‌هایی که به دفعات در سایر تحقیقات مشابه مورد استفاده قرار گرفته است، اقتباس شده‌اند، از این رو، پایایی آن مورد تأیید می‌باشد. روایی پرسش‌نامه اولویت‌بندی سبک‌های مختلف یادگیری زبان با مراجعه به مقاله‌های مربوطه و نیز توسط قضاوت استادان آموزش زبان فارسی با روایی محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. به منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه فوق، پرسش‌نامه مذکور به صورت تصادفی در اختیار ۲۰ نفر از زبان‌آموزان قرار داده شده و سپس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ میزان پایایی کل پرسش‌نامه (۰/۸۶) و ۶ عامل آن یعنی عامل دیداری (۰/۶۵)، بساوشی (۰/۷۸)، شنیداری (۰/۷۰)، گروهی (۰/۸۴)، جنبشی (۰/۷۳) و انفرادی (۰/۸۸) در سطح مناسب پایایی مورد تأیید قرار گرفت.

نوع سبک یادگیری زبان‌آموز بر اساس میانگین نمرات سوالات او در هر نوع سبک مشخص می‌شود. اگر این میانگین بین ۵۰-۳۸ باشد بیانگر این است زبان‌آموز از میان ۶ نوع سبک یادگیری، یک یا چند سبک را ترجیح می‌دهند. اگر میانگین نمرات بین ۳۷-۲۵ باشد نشان می‌دهد که زبان‌آموز تمایل کمی به این ۶ نوع سبک یادگیری دارد ولی در یادگیری او خللی وارد نمی‌شود. ولی اگر میانگین نمرات بین ۲۴ - ۰ باشد نشان می‌دهد که تمایلی به این سبک‌های یادگیری ندارد و این مسأله یادگیری او را با مشکل مواجه می‌کند.

۲.۷. آزمودنی‌ها

مطالعه‌ی حاضر یک مطالعه پیمایشی از نوع توصیفی-تحلیلی بود. دوره‌های دانش‌افزایی با حضور دانشجویان رشته‌های ایران‌شناسی، شرق‌شناسی، ادبیات فارسی و مترجمی فارسی در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه‌های خارجی که برای تکمیل یادگیری زبان فارسی به ایران می‌آیند، هر ساله برگزار می‌گردد. در این پژوهش، فارسی‌آموزان هفتاد و نهمین دوره دانش‌افزایی در سال ۱۳۹۱ که در مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) برگزار گردید، به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای بود و آزمودنی‌ها در بازه سنی ۱۸ تا ۳۷ سال قرار داشتند.

آزمودنی‌های این پژوهش ۹۷ نفر فارسی‌آموز غیرایرانی هستند که ۵۲ نفر (۵۳/۶٪) آنان مونث و ۴۵ نفر (۴۶/۴٪) مذکر می‌باشند. میانگین سنی آزمودنی‌های پژوهش 26.09 ± 7.11 بود. بیشینه سن در واحدهای پژوهش ۵۷ سال و کمینه سن ۱۸ سال و دامنه سن ۳۹ بوده است. برای داشتن سه گروه سنی، آزمودنی‌ها به سه گروه کمتر از ۲۵ سال، بین ۲۶ تا ۳۵ سال و بالاتر از ۳۶ سال تقسیم شدند. از مجموع ۹۷ نفر واحد پژوهش ۵۵ نفر معادل ۵۶/۷ درصد در بازه سنی زیر ۲۵ سال و ۳۳ نفر معادل ۳۴/۰ درصد در بازه سنی (۲۶-۳۵) و ۸ نفر معادل ۸/۳ درصد در بازه سنی بالاتر از ۳۶ سال بوده‌اند.

آزمودنی‌ها از نظر مقطع تحصیلی، ۳۸ نفر معادل ۳۹/۲ درصد در مقطع کارشناسی و ۲۵ نفر معادل ۲۵/۸ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۲۲ نفر معادل ۲۲/۷ درصد در مقطع دکتری بوده‌اند. آزمودنی‌ها از ۴۰ کشور شرکت کردند که از نظر منطقه جغرافیایی، ۶۴ نفر معادل ۶۶/۰ درصد در منطقه جغرافیایی آسیا و ۳۳ نفر معادل ۳۴/۰ درصد در منطقه جغرافیایی اروپا می‌باشد.

۸. ارائه داده‌ها

پس از جمع‌آوری، کدگذاری و ورود داده‌ها به رایانه، از نرم‌افزار آماری اسپاس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. برای مقایسه سطوح مختلف اولویت‌بندی سبک‌های مختلف یادگیری زبان در هر ۶ عامل بر حسب جنسیت و منطقه جغرافیایی از آزمون من ویتنی (Mann Whitney Test) و بر حسب گروه سنی و مقطع تحصیلی از آزمون کروسکال-والیس (Kruskal-Wallis Test) استفاده شد. برای مقایسه نمره اولویت‌بندی سبک‌های مختلف یادگیری زبان در هر ۶ عامل با توجه به آزمون کولموگروف - اسمیرنوف به دلیل نرمال بودن متغیرها برای مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات اولویت‌بندی سبک‌های مختلف یادگیری زبان در هر ۶ عامل بر حسب جنسیت و منطقه جغرافیایی از آزمون تی-استودنت (Student-t Test) مستقل و بر حسب گروه سنی و مقطع تحصیلی از آزمون آنالیز واریانس (ANOVA) استفاده شد. برای توصیف اطلاعات دموگرافیک و مشخصات فردی از آمار توصیفی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

در اینجا، توزیع فراوانی اولویت‌دهی سبک‌های مختلف یادگیری زبان فارسی را در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی اولویت‌دهی سبک‌های مختلف یادگیری زبان فارسی

متغیرها	جنسیت	منطقه جغرافیایی	مقطع تحصیلی	بازه‌های سنی	سبک
بصری	$P=0/307$ $t=-1/027$	$P=0/177$ $t=-1/359$	$P=0/744$ $F=0/297$	$P=0/881$ $X^2=0/254$	
بساوشی	$P=0/168$ $t=-1/389$	$P=0/005$ $t=-2/850$	$P=0/273$ $F=1/319$	$P=0/985$ $X^2=0/030$	
سمعی	$P=0/649$ $t=-0/457$	$P=0/142$ $t=-1/479$	$P=0/624$ $F=0/475$	$P=0/244$ $X^2=2/821$	
گروهی	$P=0/162$ $t=-1/413$	$P=0/004$ $t=-2/975$	$P=0/717$ $F=0/335$	$P=0/386$ $X^2=1/903$	
جنبشی	$P=0/430$ $t=-0/792$	$P=0/109$ $t=-1/620$	$P=0/971$ $F=0/030$	$P=0/122$ $X^2=4/203$	
انفرادی	$P=0/730$ $t=-0/347$	$P=0/126$ $t=-1/545$	$P=0/703$ $F=0/354$	$P=0/067$ $X^2=5/402$	

با توجه به جدول ۲ آزمون‌های تی مستقل اختلاف آماری معنی‌داری ($P > 0.05$) میان نمرات سبک‌های مختلف یادگیری در دو گروه زنان و مردان را نشان نداد. با وجود این، در تمامی سبک‌ها میانگین نمرات مردان بیشتر از زنان بود. نتایج آزمون‌های تی مستقل بین میانگین نمرات سبک‌های یادگیری بساوشی و گروهی در دو منطقه جغرافیایی اروپا و آسیا اختلاف معنی‌داری ($p < 0.05$) را نشان داد، به طوری که میانگین نمرات در دو سبک یادگیری بساوشی و گروهی در منطقه جغرافیایی اروپا به طور معنی‌داری کمتر از منطقه آسیا بود. این در حالی است که میان میانگین نمرات سبک‌های مختلف یادگیری بصری، بساوشی و جنبشی در دو منطقه جغرافیایی اروپا و آسیا اختلاف معنی‌داری ($p > 0.05$) وجود نداشت. نتایج آزمون‌های آنالیز واریانس نشان داد که بین میانگین نمرات سبک‌های مختلف یادگیری در مقاطع مختلف تحصیلی اختلاف آماری معنی‌داری ($p > 0.05$) وجود نداشت. همچنین با توجه به نتایج آزمون‌های کروسکال والیس میان میانگین نمرات سبک‌های مختلف یادگیری در بازه‌های سنی مختلف اختلاف آماری معنی‌داری ($P > 0.05$) وجود نداشت.

جدول ۲. مقایسه نمرات سبک‌های مختلف یادگیری به تفکیک متغیرهای پژوهش

اولویت‌دهی	اصلی		فرعی		عدم توجه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
سبک بصری	۴۱	۴۲/۳	۵۳	۵۴/۶	۳	۳/۱
سبک بساوشی	۵۹	۶۰/۹	۳۶	۳۷/۰	۲	۱/۲
سبک سمعی	۵۸	۵۹/۸	۳۷	۳۸/۱	۲	۱/۲
سبک گروهی	۴۶	۴۷/۴	۴۴	۴۵/۴	۷	۷/۲
سبک جنبشی	۵۹	۶۰/۹	۳۷	۳۸/۱	۱	۱/۰
سبک انفرادی	۳۷	۳۸/۱	۴۹	۵۰/۵	۱۱	۱۱/۴

جدول ۳. مقایسه اولویت‌دهی سبک‌های مختلف یادگیری به تفکیک متغیرهای پژوهش

سبک یادگیری	میانگین	انحراف معیار
بصری	۳۶/۱۲	۶/۰۳
بساوشی	۳۸/۳۵	۶/۵۱
سمعی	۳۹/۰۱	۶/۳۲
گروهی	۳۵/۷۷	۸/۲۸
جنبشی	۳۸/۹۳	۶/۲۲
انفرادی	۳۴/۰۲	۷/۶۴
نتیجه آزمون آنالیز واریانس تکراری		
	$F=11/88$	$P=0/000$

رابطه جنسیت و سبک‌های یادگیری ادراکی

با توجه به جدول ۳ آزمون‌های من ویتنی نشان داد اختلاف آماری معنی‌داری ($P > 0/05$) در اولویت‌بندی سبک یادگیری بصری، بساوشی، شنیداری، گروهی، جنبشی و انفرادی به تفکیک جنسیت وجود نداشت.

رابطه ملیت و سبک‌های یادگیری ادراکی

آزمون من ویتنی نشان داد اختلاف آماری معنی‌داری ($P > 0/05$) در اولویت‌بندی سبک یادگیری بصری، شنیداری، جنبشی و انفرادی به تفکیک منطقه جغرافیایی وجود نداشت.

رابطه مقطع تحصیلی و سبک‌های یادگیری ادراکی

آزمون کراسکال والیس نشان داد اختلاف آماری معنی‌داری ($P > 0/05$) در اولویت‌بندی سبک یادگیری بصری، بساوشی، شنیداری، گروهی، جنبشی و انفرادی به تفکیک مقاطع تحصیلی وجود نداشت.

رابطه سن و سبک‌های یادگیری ادراکی

آزمون کراسکال والیس نشان داد اختلاف آماری معنی‌داری ($P > 0/05$) در اولویت‌بندی سبک یادگیری بصری، بساوشی، شنیداری، گروهی، جنبشی و انفرادی به تفکیک بازه‌های سنی وجود نداشت.

جدول ۴. مقایسه میانگین شش سبک یادگیری در آزمودنی‌ها پژوهش

متغیرها	جنسیت	منطقه جغرافیایی	مقطع تحصیلی	بازه‌های سنی
بصری	$P=0/389$ $Z=0/862$	$P=0/701$ $Z=0/384$	$P=0/566$ $X^2=1/138$	$P=0/663$ $X^2=0/821$
بساوشی	$P=0/146$ $Z=1/454$	$P=0/027$ $Z=2/210$	$P=0/707$ $X^2=0/692$	$P=0/895$ $X^2=0/222$
سمعی	$P=0/980$ $Z=0/025$	$P=0/431$ $Z=0/788$	$P=0/652$ $X^2=0/857$	$P=0/182$ $X^2=3/410$
گروهی	$P=0/081$ $Z=1/747$	$P=0/004$ $Z=2/899$	$P=0/951$ $X^2=0/100$	$P=0/546$ $X^2=1/209$
جنبشی	$P=0/739$ $Z=0/333$	$P=0/566$ $Z=0/574$	$P=0/788$ $X^2=0/478$	$P=0/261$ $X^2=2/384$

P=۰/۳۷۳	P=۰/۶۰۰	P=۰/۱۳۱	P=۰/۸۹۲	انفرادی
X ² =۱/۹۷۱	X ² =۱/۰۲۲	Z=۱/۵۱۰	Z=۰/۱۳۶	

با توجه به جدول ۴ آزمون آنالیز واریانس با مقادیر تکراری مشخص نمود که بین میانگین نمرات سبک‌های مختلف یادگیری در بین آزمودنی‌ها پژوهش اختلاف معنی‌داری ($p < ۰/۰۵$) وجود دارد.

جدول ۵ آزمون تعقیبی توکی را برای آزمون آنالیز واریانس تکراری جدول قبل نشان می‌دهد. با توجه به این جدول معنی‌داری آزمون آنالیز واریانس تکراری جدول قبل ناشی از اختلاف معنی‌دار بین میانگین زوج سبک‌های بصری - شنیداری، بساوشی - انفرادی، شنیداری - گروهی، شنیداری - انفرادی، گروهی - جنبشی و جنبشی - انفرادی می‌باشد.

جدول ۵. سطوح معنی‌داری آزمون‌های تعقیبی توکی برای مقایسه نمرات سبک‌های یادگیری

سبک یادگیری	بصری	بساوشی	سمعی	گروهی	جنبشی
بصری	-	-	-	-	-
بساوشی	۰/۲۱۶	-	-	-	-
سمعی	۰/۰۴۲	۰/۹۸۵	-	-	-
گروهی	۰/۹۹۹	۰/۰۹۷	۰/۰۱۴	-	-
جنبشی	۰/۰۵۳	۰/۹۹۲	۱/۰۰۰	۰/۰۱۹	-
انفرادی	۰/۲۷۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸۴	۰/۰۰۰

۹. تفسیر داده‌ها

نتایج داده‌ها بر اساس پرسش‌های پژوهش به تفکیک در این بخش توضیح داده می‌شود. پرسش یک: پروفایل سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان در محیط یادگیری زبان خارجی چیست؟

ملاحظه می‌شود که بیشترین فراوانی اولویت مربوط به اولویت اصلی در سبک‌های بساوشی (۶۰/۹٪)، شنیداری (۵۹/۸٪)، گروهی (۴۷/۴٪) و جنبشی (۶۰/۹٪) و اولویت فرعی در سبک‌های بصری (۵۴/۶٪) و انفرادی (۵۰/۵٪) می‌باشد.

پرسش دو: تفاوت سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا چیست؟

میزان توجه اصلی در اولویت دهی به سبک یادگیری بصری در کارشناسی ۳۴/۲٪، کارشناسی ارشد ۳۳/۰٪ و دکتری ۴۵/۵٪، در سبک بساوشی کارشناسی ۶۵/۸٪، کارشناسی ارشد ۵۶/۰٪ و دکتری ۶۳/۶٪، در سبک شنیداری کارشناسی ۶۵/۸٪، کارشناسی ارشد ۵۶/۰٪ و دکتری ۵۴/۵٪، در سبک گروهی کارشناسی ۴۷/۴٪، کارشناسی ارشد ۴۸/۰٪ و دکتری ۵۰/۰٪، در سبک انفرادی کارشناسی ۳۴/۲٪، کارشناسی ارشد ۲۴/۰٪ و دکتری ۴۵/۵٪ و در سبک جنبشی کارشناسی ۵۷/۹٪، کارشناسی ارشد ۶۴/۰٪ و دکتری ۵۴/۵٪ بود.

پرسش سه: سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان با ملیت‌های مختلف چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

بین اولویت‌بندی سبک‌های بساوشی و گروهی در دو منطقه آسیا و اروپا اختلاف آماری معنی‌داری ($P < 0/05$) وجود داشت. میزان توجه اصلی در اولویت دهی به سبک یادگیری بصری در آسیا ۴۳/۸٪ و اروپا ۳۹/۴٪، در سبک بساوشی در آسیا ۶۸/۸٪ و اروپا ۴۵/۵٪، در سبک شنیداری در آسیا ۶۲/۵٪ و اروپا ۵۴/۵٪، در سبک گروهی آسیا ۵۷/۸٪ و اروپا ۲۷/۳٪، در سبک انفرادی آسیا ۴۲/۲٪ و اروپا ۳۰/۳٪ و در سبک جنبشی در آسیا ۶۲/۵٪ و اروپا ۵۷/۶٪ بود.

پرسش چهار: سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان زن و مرد چه تفاوتی دارند؟

میزان توجه اصلی در اولویت دهی به سبک یادگیری بصری در مردان ۴۶/۷٪ و زنان ۳۸/۵٪، در سبک بساوشی در مردان ۶۸/۹٪ و زنان ۵۳/۸٪، در سبک شنیداری در مردان ۶۰/۰٪ و زنان ۵۹/۶٪، در سبک گروهی مردان ۵۷/۸٪ و زنان ۳۸/۵٪، در سبک انفرادی مردان ۳۵/۶٪ و زنان ۴۰/۴٪ و در سبک جنبشی مردان ۶۲/۲٪ و زنان ۵۹/۶٪ بود.

پرسش پنج: سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان در سنین گوناگون چه تفاوتی دارند؟

میزان توجه اصلی در اولویت دهی به سبک یادگیری بصری در افراد زیر ۲۵ سال ۴۱/۸٪، افراد ۲۶-۳۵ سال ۴۵/۵٪ و افراد بالای ۳۶ سال ۲۵/۰٪، در سبک بساوشی در افراد زیر ۲۵ سال ۶۰/۰٪، افراد ۲۶-۳۵ سال ۶۳/۶٪ و افراد بالای ۳۶ سال ۶۲/۵٪، در سبک شنیداری در افراد زیر ۲۵ سال ۵۲/۷٪، افراد ۲۶-۳۵ سال ۶۳/۶٪ و افراد بالای ۳۶ سال ۸۷/۵٪، در سبک گروهی در افراد زیر ۲۵ سال ۴۳/۶٪، افراد ۲۶-۳۵ سال ۵۷/۶٪ و افراد بالای ۳۶ سال ۳۷/۵٪، در سبک انفرادی در افراد زیر ۲۵ سال ۳۴/۵٪، افراد ۲۶-۳۵ سال

۱۰۲ سبک‌های غالب یادگیری ادراکی زبان‌آموزان فارسی در کشورهای غیرفارسی‌زبان

۵۱/۵٪ و افراد بالای ۳۶ سال ۱۲/۵٪ و در سبک جنبشی در افراد زیر ۲۵ سال ۵۸/۲٪، افراد ۳۵-۲۶ سال ۵۷/۶٪ و افراد بالای ۳۶ سال ۸۷/۵٪ بود.

۱۰. نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده علاقه‌مندی آزمودنی‌ها پژوهش به سبک‌های یادگیری بساوشی، شنیداری و جنبشی به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از سه سبک دیگر یعنی بصری، گروهی و انفرادی بود. کمترین علاقه‌مندی به سبک یادگیری انفرادی بود که نشان از عدم علاقه‌مندی افراد به این سبک در یادگیری می‌باشد. البته در اینجا باید اشاره گردد همان گونه که برخی پژوهشگران معتقدند، سبک‌های یادگیری به صورت دو مقوله‌ای (سیاه یا سفید، حاضر یا غایب) نیستند، بلکه معمولاً روی یک پیوستار یا پیوستارهای چندگانه و متقاطع عمل می‌کنند (آکسفورد ۲۰۰۳). به عنوان نمونه یک فرد ممکن است بیشتر برونگرا باشد تا درونگرا، یا اینکه هم دیداری باشد هم شنیداری ولی زیاد حرکتی و بساوشی نباشد.

نتایج نشان دادند که فرضیه وجود اختلاف بین میانگین نمرات بر حسب سه متغیر مستقل جنسیت، مقاطع مختلف تحصیلی و بازه‌های مختلف سنی در تمامی سبک‌ها رد است. این درحالی است که در بین آسیایی‌ها و اروپایی‌ها در بین دو سبک بساوشی و گروهی اختلاف معنی‌داری مشاهده شد و در هر دو سبک میانگین نمرات آسیایی‌ها بیشتر از اروپایی‌ها بود که نشان از علاقه‌مندی بیشتر آسیایی‌ها به این دو سبک نسبت به اروپایی‌ها دارد. این مطلب عیناً در مورد اولویت‌دهی به سبک‌ها نیز صادق است.

سبک‌های یادگیری غیرارادی بوده و نشانگر ویژگی‌های شخصی زبان‌آموزان می‌باشند. این امر توجه به موضوع سبک‌های یادگیری را از هر زمان دیگری بیشتر می‌کند. و ارزیابی از سبک‌های یادگیری زبان‌آموزان برای طراحی برنامه درسی این دوره‌های آموزشی زبان فارسی بسیار مهم است.

با توجه به تایید وجود تفاوت در سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان به مدرسان و پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که برای تسهیل امر یادگیری و ارتقای بازدهی و کاهش عوامل کاهنده انگیزه یادگیری، مدرسان با ابزار اندازه‌گیری مناسب، سبک یادگیری زبان‌آموزان هر کلاس را شناسایی و آنان را بر اساس سبک‌های یادگیری گروه بندی نمایند تا بتوانند فعالیت‌های کلاسی و تکالیف را مطابق با سبک یادگیری آنان ارائه و تدوین نمایند و نیز روش‌های تدریس خود را با سبک یادگیری دانش‌آموزان هماهنگ و سازگاری نمایند.

با توجه به اهمیت شناسایی سبک‌های یادگیری و رابطه آنها با کنش زبان‌آموزان و ضرورت توجه نمودن به تفاوت‌های فردی به پژوهشگران نیز توصیه می‌گردد درباره تفاوت سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان موفق و ناموفق تحقیق نمایند. همچنین شایسته است در مورد رابطه سبک‌های یادگیری و سایر متغیرهایی چون راهبردهای یادگیری، انگیزه و هوش‌های چندگانه نیز پژوهش‌های گسترده‌ای صورت پذیرد.

علاوه بر آن، آموزشکاوان و پژوهشگران (نیلسون، ۲۰۱۰) بر اهمیت انتخاب سبک‌های تدریس مناسب به زبان‌آموزان تاکید می‌کنند. شایسته است پژوهشی انجام گیرد تا بررسی گردد که آیا میان سبک‌های یادگیری فارسی‌آموزان و سبک یاددهی مدرس زبان فارسی هماهنگی وجود دارد. پژوهشی مشابه می‌تواند در مورد تطابق سبک‌های یادگیری زبان‌آموزان و برنامه درسی آنان صورت پذیرد.

کتاب‌نامه

افتخاری، فرنگیس (۱۳۷۹) رابطه بین سبک شناختی وابسته به زمینه و ناپسته به زمینه و عملکرد در انواع آزمون‌های پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه سوم راهنمایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران

فاطمی حسینی، آذر و پیشقدم، رضا (۱۳۸۷). تأثیر فرهنگ در سبک‌های غالب یادگیری ادراکی، جستارهای ادبی، سال ۴۱، شماره ۱۶۱، صص. ۵۹-۷۳.

نجاتی، رضا و برزآبادی فراهانی، داود (۱۳۸۶). "ارزیابی روایی سازه و پایایی ابزارهای سنجش سبک‌های یادگیری زبان انگلیسی." پژوهش ادبیات معاصر جهان ۴۲: ۱۶، صص. ۱۰۵ تا ۱۲۰.

- Ahmad, A. (2011). Language Learning Style Preferences of Low English Proficiency (LEP) Students in a Tertiary Institution, *Malaysian Journal of ELT Research*, Vol. 7 (2), 33-62.
- Ashikin Zakaria, Z. (2006). Learning Style Preference of English Language Learners in a Secondary School. *The Science and Art of Language in Teaching International Conference*.
- Atkinson, S. (1998). Cognitive style in the context of design and technology work. *Educational Psychology*, 18(2), 183-194.
- Baily, P., Onwuegbuzie, A. J., & Daley, C. E. (2000). Using learning styles to predict foreign language achievement at the college level. *System*, 28, 115-133.
- Bidabadi, F.S., & Yamat, H. (2010). Learning style preferences by Iranian EFL freshmen university students. *Social and Behavioral Sciences*, 7, 219-226.
- Brown, H.D. (2000). *Principles of language learning and teaching (4th ed.)*. A. W. Longman, Inc.

- Cassidy, S. (2004). Learning Styles: An overview of theories, models, and measures. *Educational Psychology*, 24 (4), 419-444.
- Cavanaugh, D. (2002). *Hemispheric preference*. New York: Cambridge University Press.
- Dörnyei, Z. (2005). *The psychology of the language learner: Individual differences in second language acquisition*. London: Lawrence Erlbaum Associates, Publishers.
- Dunn, R., Dunn, K. & Price, G. E. (1989). *Learning Styles Inventory*. Lawrence, KS: Price Systems.
- Fatemi Hosseini, A. and Pishghadam, R. (2008). The Effects of culture on perceptual language learning styles. *Journal of Faculty of Letters and Humanities*, Ferdowsi University of Mashhad, 144, 60-74.
- Fleming, N.D. (2001). *Teaching and learning styles: VARK strategies*. Christchurch, New Zealand: N.D. Fleming.
- Harmer, J. (2002). *The Practice of English Language Teaching*. Pearson: Longman.
- Hyland, K. (1994). The Learning Styles of Japanese Students. *JALTJournal*, 16 (1), 55-74.
- Khamkhen, A. (2012). Demystifying Thai EFL Learners' Perceptual Learning Style Preferences. *The Southeast Asian Journal of English Language Studies*, 18(1): 61 – 74.
- Kolb, D. (1976). *The learning style inventory: Self-scoring test and Interpretation*. Boston, MA: McBer.
- Kolb, D. (1985). *Learning style inventory (rev. ed.)*. Boston, MA: McBer.
- Leino, A. and J. Leino 1990. *Oppimistyyli. Teoriaajakäytäntöä*. Helsinki: Kirjayhtymä. NCC: *National Core Curriculum for Basic Education 2004*.
- Nilson, L. B. (2010). *Teaching at Its Best: A Research-Based Resource for College Instructors*, 3rd Edition. San Francisco: Jossey-Bass
- O'Brien, L., (1990). *Learning Channel Preference Checklist (LCPC)*. Specific diagnostic.
- Obralic, N. & Akbarov, A. (2012). Students Preference on Perceptual Learning Style. *Acta Didactica Napocensia*, 5(3), 31-42.
- Oxford, R.L. 2003. *Language learning styles and strategies: An overview*. GALA, 1-25.
- Oxford, R.L. (1993). *Style analysis survey*. Tuscaloosa, AL: University of Alabama.
- Peacock, M. 2001. Match or mismatch? Learning styles and teaching styles in EFL. *International journal of Applied Linguistics* 11 (1), 1-20.
- Pourhossein Gilakjani, A. (2012). Visual, Auditory, Kinaesthetic Learning Styles and Their Impacts on English Language Teaching. *Journal of Studies in Education*. 2 (1), 104-113.
- Pritchard, A. (2005). *Ways of learning: Learning theories and learning styles in the classroom*. Great Britain: David Fulton Publishers.
- Reid, J.M. (1987). The learning style preferences of ESL students. *TESOL Quarterly*, 21(1), 87-111.
- Reid, J.M. (1995). *Learning styles in the ESL/EFL classroom*. Boston: Heinle & Heinle.
- Riazi, A. M. & Mansoorian, M. A. (2008). Learning Style Preferences among Iranian Male and Female EFL Students, *The Iranian EFL Journal*, 2, 88-100.

- Riechmann, S., & Grasha, A. (1974). Construct Validity of the Student Learning Style Scales Instrument. *Journal of Psychology*, 87, 213-223.
- Sabatova, Jarmila. (2008). *Learning styles in ELT*. Diploma Unpublished Thesis. Brno. Masaryk University Brno.
- Slack, N. & Norwich, B. (2007). Evaluating the reliability and validity of a learning styles inventory: A classroom-based study. *Educational Research*, 49(1), 51-63.
- Strategies English Language Teaching, *Canadian Center of Science and Education*. 5 (9), 138 - 143.
- Wesely, P. M. (2012). Learner attitudes, perceptions, and belief in language learning. *Foreign Language Annals*, 45(1), 98-117.
- Wintergerst, A. De Capua, A., Marilyn A. Verna (2002). An Analysis of One Learning Styles Instrument for Language Students. *TESL Canada Journal*. 20(1), 16-37.
- Zokaei, S., Zaferanieh, E. & Naseri, M. (2012). On the Impacts of Perceptual Learning Style and Gender on Iranian Undergraduate EFL Learners' Choice of Vocabulary Learning

Archive of SID